



Lan Neji : مترجم

ادیتور: Sg~

IRISEKAI



T.me/IriSekai



instagram.com/IrisSekai



아빠, 나 이 결혼 안 할래요!

만화 · Roal 각색 · 유리

원작 · 홍희수

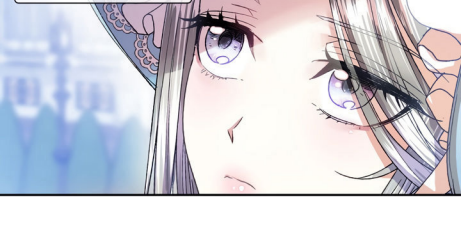


مارکیز میکائیل
آلبرت هسن.



نقش اصلی مرد این رمان
و کسی که عاشقشتم.

عكس العملش
معموليه.



قبل ازینکه داخل
این رمان بیام، یه آدم
عادی بودم که دنبال
کار میگشتم.



ولی سره راهه رفتم
به شغل نیمه وقتم،



یه ماشین بهم زد و رفتم
قاطی باقالیا- و از بین این هم
آدم تو بدن شروره داستان یعنی
جوولیان به دنیا اومدم.

*تازه یادم اومد!



دوسالی که تو زندگی
قبلیم با میکائیل رابطه
داشتمو یادم اومد.

اونم همین ۴
روزه پیش.



حالا که دارم
پهش فکر میکنم
تو رمان قبلی
مت سگ با وفا
بودما..

هوم..



* همه جا رو داغون کرده



* تعریف کردن





میکائیل..



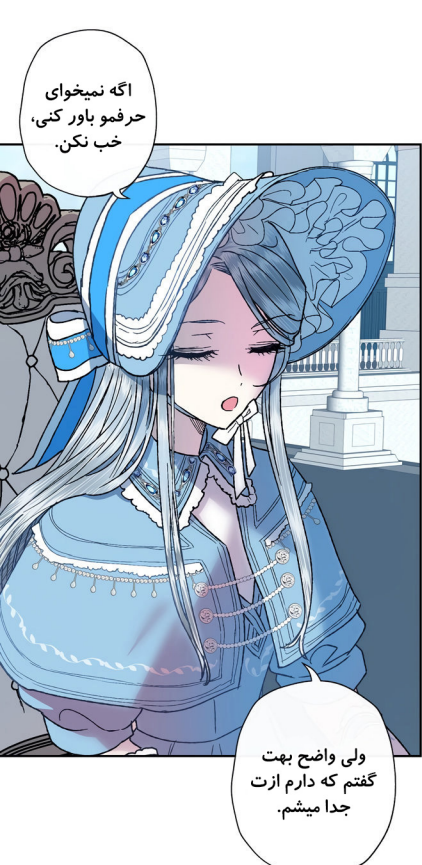
و اینجوری
بود که کم کم
روانش شدم..



تا کمبوده عشق و
توجهی که بهم شده
بود جبران کنم..

ولی،

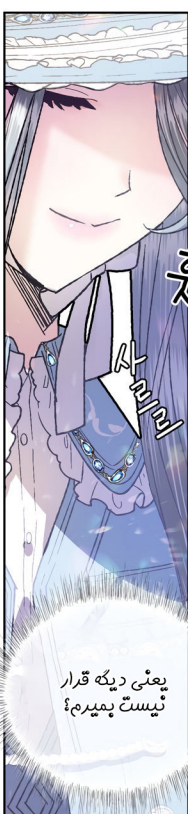






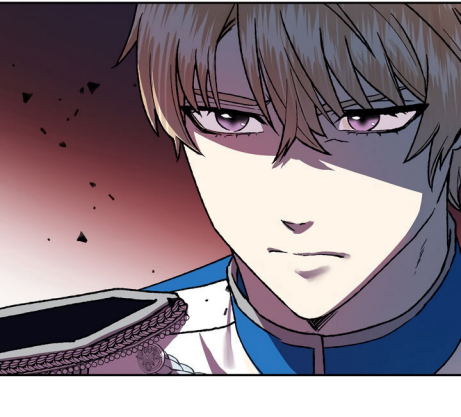
باشه، یه بار
دیگه هم حرفتو
باور میکنم.

ولی دیگه جلو
روم نینمت!!

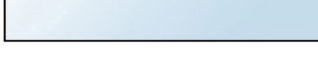


یعنی دیگه قرار
نیست بمیرم؟





چرا اینقدر اعصابم خورده؟



اخیش، انگار
یه پاره صد ساله
از دوشم برداشته
شده ها.

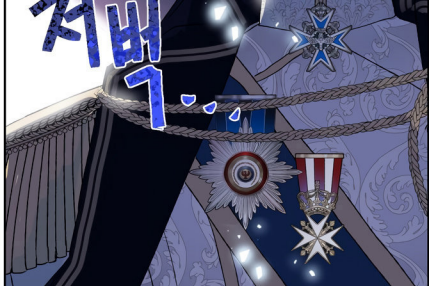


پاید بچنیم
پریم اتاقمو یکم
استراحت کنیم.

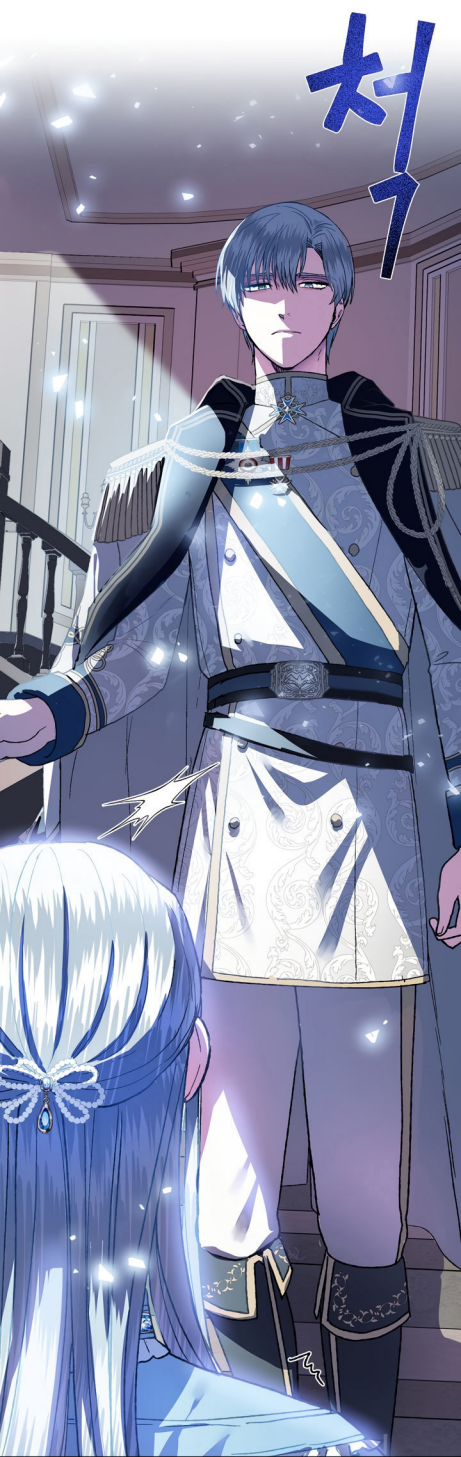
저벅

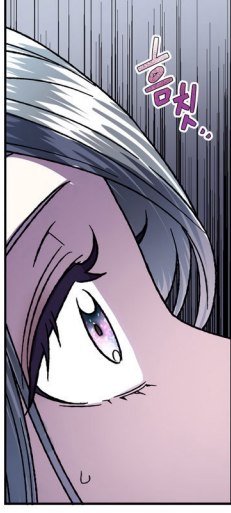


저벅



저





پدرم، کسیه که تنها
استاد خفنه شمشیرزنی
تو امپراطوریه و تنها
خانواده ایه که دارم.

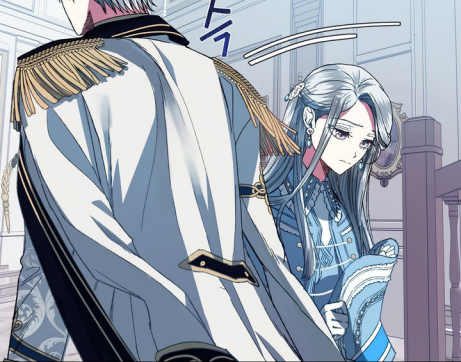


ولی از اونجایی
که پیام یه قدرت
پرتر شده، زیادی
چوون میزنه.
البته که یه آقا جنونیه
هم هست برای
خوش.

تحمّلش کن.



و مردیه که دخترشو
دوست نداره.



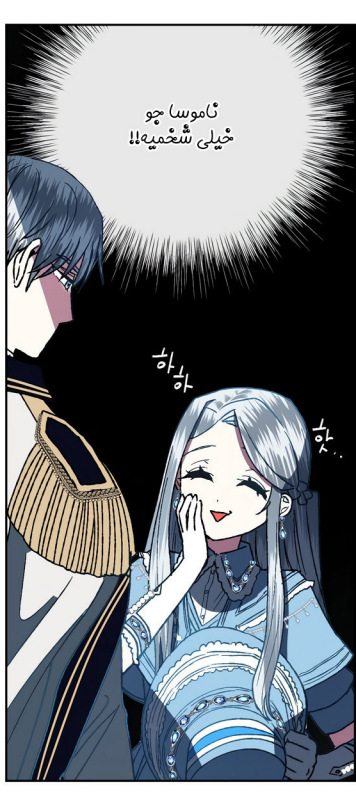
خوش
اومدی؟

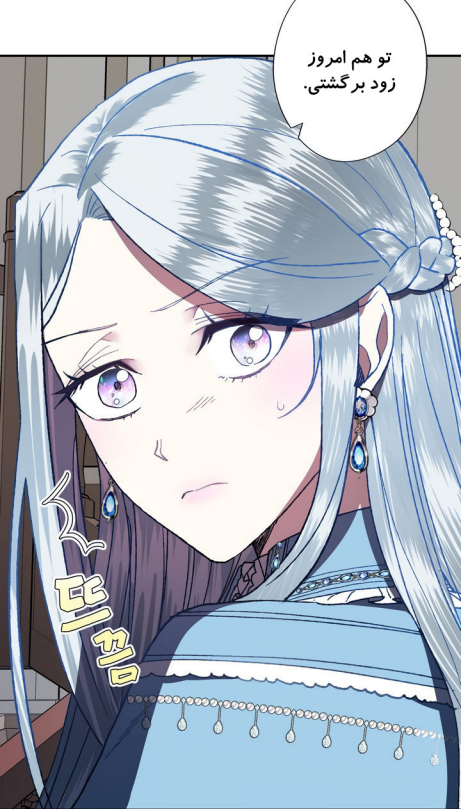
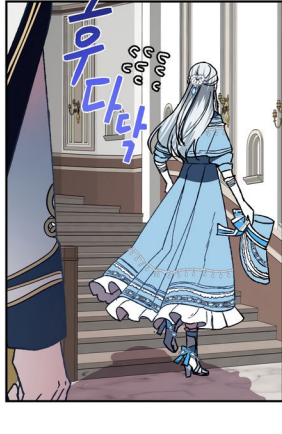




چطوره توی این
زندگیم به جای اینکه
دنپال عشق و توجهش
باشم، برم دنپال مال
و منالش؟

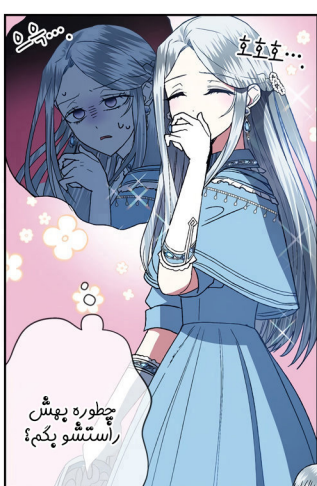
میخوام به زندگی راحت
و طولانی داشته باشم.





حرفاش با عقل جور در
میاد، چون قبلنا معمولاً..

کله روز میکانیلو تعقیب
میکردمو دیر میرفتم خونه.





..درسته.



ولی باید پهنش راستشو بگم..

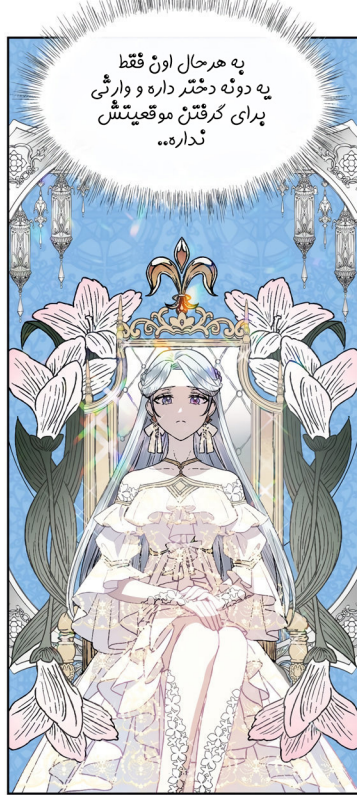
چون میکائیل
دوسم نداشت..

نمیخوام با کسی
که دوسم نداره
ازدواج کنم.

هوا

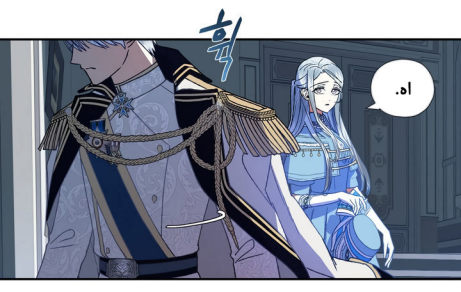
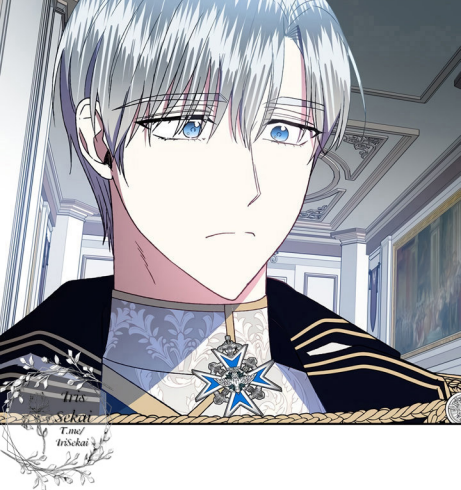
وا
وا
وا

تیریر

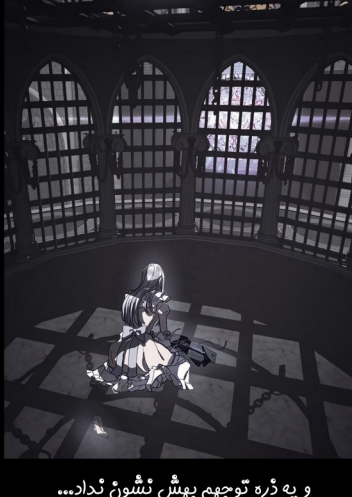


ولی!

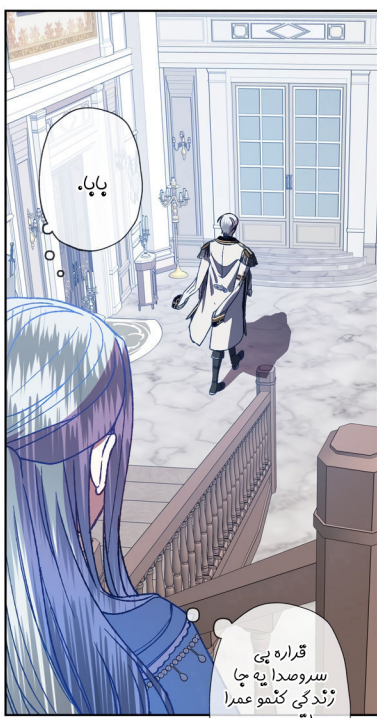




اون کسی بود که اینقدر از دخترش
بدش میومد که انداختش دور..

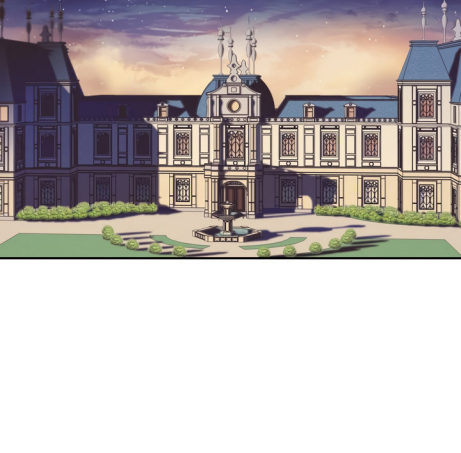


و یه ذره توجهم بهمش نشون نداد...



پس لطفا مثل
قبل بهم کاری
نداشته باش..

تا بتونم
یه زندگی طولانی
و راحت داشته
باشم.





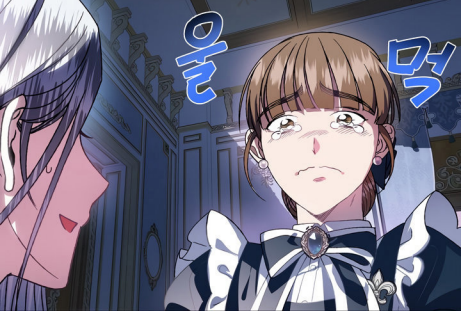
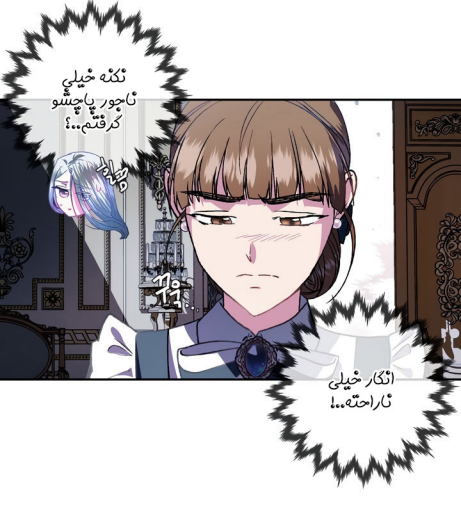
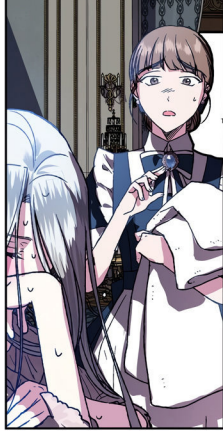
با اینکه خانوممون خیلی خوشگل و جیگره ولی وقتی عصباش میریزه بهم هرچی که دمو دستشه رو اینور اونور پرت میکنه.

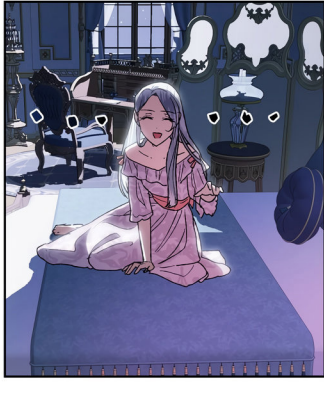
همنونه به چوخ میدم!!













انگار اینقدر
قلبش زیادی
ناجور شکسته
...



که حتی
اشکشم
دراومده..

خانومه
بیچارمون
...



اون بچه
داشت گریه
میکرد؟



아빠,
나이 결혼
안 할래요!

다음 화에 계속



از شما برای خوندن کامون
ممنونیم لطفا **کپی نکنین** و
بدون **ذکر منبع** کار مارو جایی نذارین.
شما میتونین با جوین شدن تو چنل
تگراممون از ما **حمایت کنین** و کارهای
جذاب دیکمون رو هم بخونین.